

یادداشت

تهدیداتمی!

باید گفت این توجیه چندان منطقی نیست و نه مصرف داخلی

می‌تواند داشته باشد و نه مصرف خارجی.

۳- حل مسئله فتوای اتمی، ناگزیر باید در حوزه تخصصی فقه و توسط علمای عظام انجام شود. «توجیه ثانویه» نشان می‌دهد شاید

مسئله عنوان ثانوی پیدا کرده باشد، نه اینکه فشار مردم در کار باشد.

۴- واکنش توییت‌ری وزیر ارشاد کار را کمی سخت‌تر کرد: «فتوای رهبری در تحریم سلاح هسته‌ای، مبتنی بر اصول مینا و لایتغیر دینی است و نه فروع قابل تغییر اجتهادی یا تابع متغیرات زمانه و شرایط ثانوی». به نظر می‌رسد لاریجانی با هماهنگی سخنان فوق را اظهار کرده باشد؛ علاوه بر آنکه تحریم سلاح هسته‌ای حکمی ابدی و لایتغیر نیست.

۵- از نظر فقهی شاید بتوان بین ساخت، انبار و استفاده از این‌گونه سلاح‌ها تمایز قائل شد. استفاده از این سلاح‌ها چون ممکن است آثار غیرقابل کنترلی داشته باشد. از نظر فقهی مشکل پیدا می‌کند، اما معلوم نیست استفاده محدود نیز همان حکم را داشته باشد. مهم آن است که اساسا ساخت و انبار سلاح‌های هسته‌ای برای بازدارندگی –و نه استفاده- است و ضرورتا تالی فاسد فوق را به همراه نخواهد داشت.

۶- قبلا کسانی مثل محمد مؤمن، گفته بودند تفاوتی بین سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف، حتی اتمی، وجود ندارد و همه آنها مشمول «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» هستند.

۷- ابیطحی در این قوه همدشار داده: «سیاسیون برای فتوای رهبری در مورد سلاح اتمی عنوان ثانویه درست نکنند. این کار بازی در زمین دشمنان است». شاید او به «پرچم غلط» اشاره داشته باشد. به اعتقاد زیدآبادی نیز: «تجه این روزها علی لاریجانی مطرح کرده و شماری دیگر از حرف او استقبال کرده‌اند. حرکت در جهت افتادن به چاهی است که اسرائیلی‌ها پیش پای ایران کنده‌اند.»

۸- حسین شریعتمداری در واکنش به علی لاریجانی نوشت: «سال ۸۶، در یکی از یادداشت‌های کیهان اشاره داشتیم که فشار غرب ممکن است برخی از مسئولان را به سوی گزینه تولید سلاح هسته‌ای ببرد. همان روز آقای لاریجانی (دبیر وقت شورای‌عالی امنیت ملی) تماس گرفت و با لحنی نیمه‌مزاح و نیمه‌جدی گفت: مثل اینکه شما کمی یا قسمتی… دارید؟» پرسیدم چرا؟ گفت: یادداشت امروزت بهانه به دست دشمن می‌دهد!… اما، پریش، همین آقای لاریجانی در برنامه گفت‌وگوی ویژه رسانه ملی گفت: «اگر آمریکا با اسرائیل دست به تهدید اتمی ایران بزنند، ایران هم مجبور خواهد شد به سمت تولید بمب اتمی برود.»

در مجموع، تهدید اتمی از نظر استراتژیک بسیار خطیر به نظر می‌رسد و از یک سو، نیاز به توجیه فقهی دارد و از سوی دیگر، توجیه جامعه‌شناختی در سطح ملی و بین‌المللی را می‌طلبد. ظاهرا توجیه داخلی هم برای جناح اصلاح‌طلب نیاز است و هم برای جناح اصولگرا.

ایران و آمریکا؛ دیپلماسی درآینه تاریخ و آزمون آینده

این لحن، منعکس‌کننده همان استراتژی سنتنی واشنگتن است؛ دعوت به مذاکره برجسته، فرانسسیس فوکویاما، تاکید دارد: «قدر واقعی در دیپلماسی، توانایی ایجاد همکاری میان منافع متقابل است، نه تحمیل اراده یک‌طرفه». اگر ایالات متحده به دنبال توافقی پایدار است، باید درک کند که زبان دیپلماسی با ایران، متفاوت است و در نهایت، هیچ‌یک از این جنگ‌ها به «صلح سرراز» را از دست داده است و در نهایت، هیچ‌یک از این جنگ‌ها به «صلح پایدار» منجر نشده‌اند. درگیری جدید در منطقه خاورمیانه، تنها هزینه‌های اقتصادی و انسانی بیشتری برای واشنگتن به همراه خواهد داشت.

نظریه‌پرداز برجسته، فرانسیس فوکویاما، تاکید دارد: «قدر واقعی در دیپلماسی، توانایی ایجاد همکاری میان منافع متقابل است، نه تحمیل اراده یک‌طرفه». اگر ایالات متحده به دنبال توافقی پایدار است، باید درک کند که زبان دیپلماسی با ایران، متفاوت است و مشمول احترام متقابل و خودداری از هرگونه تهدید در کلام یا عمل است.

تاریخ نشان داده مردم ایران، در برابر تهدید و تحریم هرگز تن به تسلیم نداده‌اند. از توافق الجزایر تا برجام، ایران هرگاه با زبانی برابر مورد خطاب قرار گرفته، آماده گفت‌وگو بوده است. اما هرگاه واشنگتن مسیر تحمیل را در پیش گرفته، نتیجه‌ای جز شکست نداشته است.

اکنون که ایران پاسخی رسمی به نامه ترامپ داده، تصمیم‌گیری با واشنگتن است؛ آیا آمریکا آماده است سیاستی واقع‌گرایانه‌تر اتخاذ کند؟

واشنگتن باید درک کند که لغو تدریجی تحریم‌ها، نه یک امتیاز به ایران، بلکه با عملکرد گذشته ترامپ، اولین گام برای سنجش میزان صداقت در وعده‌های دیپلماتیک آمریکاست. اگر دولت آمریکا واقعا به دنبال کاهش تنش و ایجاد توافقی پایدار است، باید دست از سیاست «فشار حداکثری» بردارد و نخستین نشانه‌های حسن نیت را در عمل نشان دهد.

ایران نشان داده که درهای دیپلماسی را نبسته است، اما اگر واشنگتن بخواهد دوباره همان مسیر گذشته را طی کند، این مذاکرات نیز به سرنوشت دیگر توافقات ناپایدار دچار خواهد شد.

اکنون که توپ در زمین آمریکاست، باید دید آیا این کشور ظرفیت عبور از الگوهای شکست‌خورده گذشته را دارد؟ پاسخ این پرسش، نه در شعارها، بلکه در عمل به تعهدات آتی آن نهفته است.

جدال آب



مریم شکرانی

«شرق» از ماجرای اختلاف‌ها در بالادست و پایین‌دست حوضه آبی زاینده‌رود و نگاه کارشناسان به این ماجرا گزارش می‌دهد

جدال در بالادست و پایین‌دست رود

در فروردین سال ۱۳۹۳، مردم شهرکرد در اعتراض به طرح انتقال آب از تونل بهبشت‌آباد، گلاب و سد و تونل کوهرنگ ۳ تجمع کردند و آن را غیرکارشناسی دانستند. در مقابل، گروهی از مردم اصفهان و کشاورزان تجمع دیگری برگزار کردند و خواستار تکمیل هرچه سریع‌تر این پروژه شدند. تقابل کشاورزان و مردم دو استان درباره انتقال آب به همین‌جا ختم نشد و بار دیگر در اواخر پاییز سال ۱۴۰۰ رویارویی دیگری شکل گرفت. این رویارویی سبب شد برخی رسانه‌ها و فعالان رسانه‌های اجتماعی اصطلاح جدال آب را به میان کشیده و هشدار دهند که با تشدید بحران آب، بیم جدال آب وجود دارد.

حالا با گذشت حدود سه سال از آن ماجرا، این تقابل به نوعی دیگر بین کشاورزان و مردم اصفهان و یزد شکل گرفته است. شنبه هفته گذشته کشاورزان شرق اصفهان پس از حدود ۳۰ روز تجمع در اعتراض به جاری‌نشدن آب زاینده‌رود، به ایستگاه‌های پمپاژ شماره سه و چهار تخریب کردند و این‌عمل منجر به خسارت و قطع‌ی آب یزد شد. در نتیجه دولت ناچار شد که روزهای ۱۷ و ۱۸ فروردین را در یزد تعطیل و آب را در زاینده‌رود رهاسازی کند.

این اتفاق در شرایطی افتاد که مردم و کشاورزان هر استان روایت متفاوتی از ماجرا دارند و در حالی که در بالادست رود انتقال آب را اشتباه می‌دانند و این موضوع را عامل تخریب اقلیم محل سکونت خود می‌دانند، در پایین‌دست رود این موضوع را حیاتی تلقی می‌کنند و ادامه زندگی و کسب‌وکار خود را مشروط بر تداوم انتقال آب می‌دانند.

روایات مردم از جدال آب

مردم چهارمحال‌وبختیاری با اشاره به اینکه این استان سرچشمه سه رود پرآب کشور یعنی زاینده‌رود، دز و کارون بوده است، می‌گویند طرح‌های انتقال آب جان این رودخانه‌ها را گرفته و سبب خشکی و کم‌آبی رودهای پرآب این منطقه شده است. آنها توضیح می‌دهند که چیزی حدود نیمی از مردم این استان با مشکل تأمین آب شرب مواجه هستند و آبرسانی به برخی مناطق این استان با تاخیر انجام می‌شود. آنها توضیح می‌دهند که اولین زخم بر پیکره کارون و زردکوه با اجرای تونل اول کوهرنگ زده شد و با اجرای این‌تونل ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب از کارون به زاینده‌رود منتقل شد تا آب مورد نیاز صنایع و برنج‌کاری و کشاورزی اصفهان تأمین شود و این پروژه در فازهای بعدی ادامه یافت.

چهارمحال‌وبختیاری‌ها به انتقال آب از دریای عمان به اصفهان هم اشاره می‌کنند و می‌گویند لایه قوی نمایندگان اصفهان در مجلس و در سطوح حاکمیتی سبب شده صنایع زیادی در اصفهان مستقر شود و مصرف آب این استان بالا رود و در نتیجه با انتقال آب به منابع آب سایر استان‌ها فشار آورده شود. اصفهانی‌ها اما این روایت را قبول ندارند و می‌گویند کشت برنج در اصفهان بسیار کاهش داشته و مصرف آب صنایع بسیار اندک و فقط در حدود شش تا هفت درصد است. آنها از توسعه درخور توجه باغات و کشاورزی در استان بالادست یعنی چهارمحال‌وبختیاری می‌گویند و توضیح می‌دهند این مسئله عامل فشار بر سرچشمه زاینده‌رود است و سبب شده اصفهان با تنش آبی شدیدی مواجه شود؛ تا حدی که فرونشست هولناک در

این منطقه رخ دهد و آثار تاریخی هم از گزند این ماجرا در امان نمانند و از آن سو برخی مناطق مسکونی اصفهان هم به دلیل وضعیت هشداردهنده فرونشست زمین تخلیه شوند.

یکی از نمونه‌های اثرات فرونشست زمین، وضعیت شهرک نیروی هوایی ارتش در منطقه «خانه اصفهان» است. در این شهرک که احداث آن به قبل از انقلاب برمی‌گردد، حدود شش هزار نفر از افسران و خلبانان و خانواده‌های آنها زندگی می‌کردند. در سال‌های گذشته، ساختمان‌های این شهرک درگیر فرونشست زمین شده‌اند؛ به حدی که ساکنان آن در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند و هم‌اکنون نیز تعداد انگشت‌شماری در این شهرک زندگی می‌کنند.

از آن سو، اصفهانی‌ها می‌گویند یزد قطب تولید برخی محصولات کشاورزی از جمله خیار گلخانه‌ای و پیسته است و صنایع آب‌بر زیادی در این استان کویری مستقر شده است. آنها توضیح می‌دهند کشاورزی و صنعت در یزد وابسته به منابع آب زاینده‌رود است و همین توسعه نادرست اشتغال در یزد باعث فشار بر منابع آب رودخانه شده است.

در نهایت یزدی‌ها روایت دیگری از مواجهه با بحران آب دارند. در یزد از مجموع ۱۹ دشت، ۱۷ دشت وضعیت ممنوعه یا ممنوعه بحرانی آب دارد. این به معنی است که در اکثر دشت‌های استان میزان برداشت بیش از میزان آبی است که هر سال وارد سفره‌های زیرزمینی می‌شود و در نتیجه در سفره‌های آب زیرزمینی استان سطح آب هرساله پایین‌تر از سال قبل قرار می‌گیرد. یزدی‌ها توضیح می‌دهند اکثر روستاهای استان در معرض خشک‌سالی قرار گرفته‌اند و کشاورزی در بسیاری از روستاها از رونق افتاده و خالی از سکنه شده است و بسیاری از روستاها و مناطق ییلاقی استان در ایام عید ازل رنگ و بوی بهاری و سرسبزی فصل بهار را نداشتند. آنها می‌گویند بیشتر درختان و چشمه‌سارها خشک شده‌اند و کشاورزی در این استان دیگر معنی ندارد و مردم ناچار به اشتغال در صنایع هستند. از آن سو بیشتر مردم این استان درگیر کمبود آب شرب هستند و آنچه در استان یزد از منابع آب باقی مانده، چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیقی است که شور و لب‌شور است و به‌هیچ‌وجه مناسب شرب نیست.

سال سخت آب

این روایت‌ها در شرایطی است که گزارش‌های آماری حاکی از آن است که کشور امسال یکی از سخت‌ترین سال‌های آبی را از نظر میزان بارش‌ها تجربه می‌کند.

آمارهای موجود تا ۹ فروردین امسال می‌گویند ورودی سدهای کشور نسبت به سال گذشته ۳۱ درصد کاهش یافته و در مقایسه با میانگین پنج‌ساله، افت ۴۴درصدی را تجربه کرده است. از سوی دیگر، میزان بارش‌ها در سال آبی جاری ۳۴ درصد کمتر از متوسط بلندمدت بوده و برخی استان‌ها مانند هرمزگان، سیستان‌وبلوچستان و بوشهر بیش از ۵۰ درصد کاهش بارندگی را تجربه کرده‌اند. همچنین برخی از استان‌ها مانند تهران، اصفهان، خراسان رضوی، هرمزگان و مرکزی در وضعیت قرمز آبی قرار دارند.

همچنین بر اساس گزارشی که در اواخر اسفند سال گذشته منتشر شد، حجم ذخایر ۱۴ سد مهم کشور کمتر از ۱۵ درصد است. در همین زمینه ایما به نقل از فیروز قاسم‌زاده، مدیرکل

دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور خبر داده است که تا ۲۱ اسفند سال ۱۴۰۳ میزان ورودی آب به مخازن سدهای کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۸ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر، میزان ورودی به مخازن سدهای کشور در سال آبی گذشته برابر ۱۳.۲۶ میلیارد مترمکعب بوده و حالا معادل ۹.۵۸ میلیارد مترمکعب است. این در حالی است که خروجی از سدها تغییر معناداری نداشته است.

بر اساس این گزارش، حجم موجود مخازن برخی سدهای مهم ۱۰ استان کشور اعم از تهران، البرز، اصفهان، خراسان رضوی، حوضه قمرود، هرمزگان، زنجان، کرمان، فارس و مرکزی کمتر از ۱۵ درصد پرشدگی دارد و سدهای تأمین‌کننده آب شرب تهران در وضعیت مناسبی نیستند، به‌طوری‌که سد امیرکبیر و لار به ترتیب شش و یک درصد و سد لتیان و ماملو هرکدام ۱۱ درصد پرشدگی دارند. همچنین پرشدگی سد زاینده‌رود اصفهان ۱۱ درصد، سد دوستی خراسان رضوی ۱۰ درصد، سد طرق خراسان رضوی ۱۲ درصد، سد یازده خرداد حوضه قمرود ۱۱ درصد، سد استقلال هرمزگان هشت درصد، سد شمیل و تیان هرمزگان سه درصد، سد تهم زنجان ۱۳ درصد، سد



تتکوئیه سیرجان کرمان هشت درصد، سد رودبال داراب سه درصد و سد ساوه مرکزی ۹ درصد تا ۲۱ اسفند امسال به ثبت رسیده است.

علاوه بر این، بر اساس آمار شبکه ایستگاه‌های مینا، وزارت نیرو در سال آبی جاری تاکنون با کاهش ۳۶درصدی بارش نسبت به متوسط بلندمدت مواجه بوده است و پنج استان کشور با کاهش بیش از ۵۰ درصد بارش‌های سالانه مواجه بوده‌اند و امسال یکی از سال‌های بسیار خشک کشور محسوب می‌شود.

وضعیت منابع آب در بالادست و پایین‌دست زاینده‌رود هم چندان تعریفی ندارد. در همان تاریخ ۲۱ اسفند سال ۱۴۰۳ مهر به نقل از هاشم فاطمی، مدیر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال‌وبختیاری نوشته است در سال آبی جاری در چهارمحال‌وبختیاری کمبود ۵۵درصدی بارش‌ها تجربه شده است و این استان دو سال خشک پی‌درپی را پشت سر می‌گذارد و جزء یکی از خشک‌ترین استان‌های کشور شناخته می‌شود. بنا بر گفته هاشمی، کاهش ۵۵درصدی کمبود بارش‌ها در حالی رخ می‌دهد که چهارمحال‌وبختیاری رسال گذشته هم ۴۰ درصد کاهش بارندگی‌ها را تجربه کرده است و سد زاینده‌رود به عنوان یک منبع تأمین آب شرب در این استان، ۹۰ درصد کاهش حجم دارد و بخشی از ۱۰ درصد آب موجود در این سد غیرقابل استفاده است.

علاوه بر چهارمحال‌وبختیاری که بالادست زاینده‌رود به شمار می‌آید، گزارش‌های مشابهی درباره اصفهان وجود دارد.

در دوم فروردین سال ۱۴۰۴ مجتبی موسوی‌نائینی، مدیر بهره‌برداری و نگهداری از سد زاینده‌رود، به مهر گفته است: «ذخیره سد زاینده‌رود به ۱۶۲ میلیون مترمکعب رسیده است. این در حالی است که ذخیره سد زاینده‌رود سال گذشته در چنین روزی (دوم فروردین ۱۴۰۳) ۳۲۸ میلیون مترمکعب بود. سد زاینده‌رود با ظرفیت اسمی یک‌میلیارد و ۲۳۹ میلیون مترمکعب به عنوان یکی از اصلی‌ترین سدهای مرکز کشور و تأمین‌کننده آب آشامیدنی، محیط زیست، کشاورزی و صنعت در منطقه مرکزی ایران است.

اوضاع در یزد هم به همین منوال است. جواد محجوبی، مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد، از کاهش بیش از ۲۴درصدی میزان بارندگی‌های از اول سال آبی جدید تا ۲۲ اسفندماه در استان نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داده است.

او با بیان اینکه متوسط بارندگی کشور در سال آبی جاری ۱۰۲.۵ میلی‌متر بوده است، متوسط بارندگی سالانه استان یزد بر اساس آمار ۳۹ساله (منتهی به سال آبی ۱۴۰۳) حدود ۹۶.۴ میلی‌متر است که کمترین مقدار بارش متوسط سالانه در بین استان‌های کشور است.

کارشناسان چه می‌گویند؟

با تمام این اوصاف، کارشناسان معتقدند حکمرانی نادرست آب عامل اصلی این اتفاق است. هدایت فقهی، مدیرکل سابق منابع آب وزارت نیرو، به «شرق» می‌گوید میزان آب انتقال‌یافته به یزد عددی در حدود ۷۰ میلیون مترمکعب است که این میزان آب می‌توانست به‌جای انتقال از منابع دیگر از بازچرخانی پساب شهری، کشاورزی و صنایع تأمین شود.

او اعتقاد دارد انتقال آب رویکرد نادرستی بوده است و با انتقال آب، مصرف بهینه آب ناییده گرفته شده و تقاضای جدیدی برای آب انتقالی شکل گرفته است. این کارشناس تاکید می‌کند عمده منابع آب کشور صرف کشاورزی می‌شود و کشاورزی در بسیاری از استان‌های ایران ازجمله یزد و اصفهان هیچ توجیهی ندارد و اصولا اقتصاد ایران نباید بر مبنای توسعه کشاورزی محور باشد.

رضا آقایی، دیگر کارشناس منابع آب، به «شرق» توضیح می‌دهد روایت مردم سه اسان از مشکلات حوضه زاینده‌رود بخشی از واقعیت است و تمام واقعیت نیست.

او توضیح می‌دهد در چهارمحال‌وبختیاری توسعه باغات و کشاورزی به صورت مداوم اتفاق افتاده است و در اصفهان سطح درخور توجهی فضای سبز شهری وجود دارد با صنایع آب‌بر مستقر شده است. همچنان که این اتفاق در یزد هم رخ داده است.

این کارشناس ادامه می‌دهد البته میزان آب انتقالی به یزد رقم شایان توجهی نیست و بود و نبود آن فرقی به حال زاینده‌رود ندارد، اما همین میزان آب انتقالی، تقاضای جدید برای صنایع یزد ایجاد کرده و این روند نادرست است. آقایی تاکید می‌کند انتقال آب راهکار توسعه‌ی پایدار نیست و توسعه اقتصادی استان‌ها باید بر مبنای ظرفیت زیستی آنها انجام می‌شد، اما پریش این است که با تعطیلی کشاورزی یا فلان صنعت آیا دولت شغل جایگزین برای مردم ایجاد می‌کند؟ و مردم به‌درستی نگران شغل و معیشت خود هستند.

این کارشناس با تاکید بر اینکه نگاه به مسئله آب در کشور جزیره‌ای و منطقه‌ای بوده است و نه ملی، می‌گوید نمایندگان مجلس بیشترین قصور را در تحمیل طرح‌های نادرست و غیرکارشناسی به حوزه‌های انتخابیه خود دارند.

یادداشت

مناطق آزاد بایلوت هم پیوندی اقتصادی ملی و بین‌المللی

عبدالرسول خلیلی، کارشناس مناطق آزاد،

در سال ۱۳۶۸ براساس تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی، به دولت اجازه داده شد در سه نقطه از نقاط مرزی کشور اقدام به تأسیس منطقه آزاد تجاری-صنعتی کند. با شکل‌گیری این مناطق، دولت اجازه یافت تا جزیره کیش، بخشی از جزیره قشم و قسمتی از بندر چابهار را به عنوان مناطق آزاد اعلام کند.

تعیین این مناطق، در کمیسیون خاص بررسی چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی مجلس شورای اسلامی با حضور کارشناسان و مسئولین مربوطه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در اصل ایجاد مناطق آزاد در دوره دوم و سوم مجلس شورای اسلامی مطرح شد. دست‌اندرکاران در بحث چگونگی اداره مناطق به دنبال آن بودند بتوانند با اعطای امتیازها و اختیارهای بیشتر، این مناطق را بدون تابعیت از ضوابط داخل کشور، در خدمت رونق فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری قرار دهند و سازمان این مناطق نیز به صورت شرکت با شخصیت حقوقی مستقل اداره شده و سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هرچند از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی و سایر مقررات عمومی مستثنی شده و مشمول محدودیت‌هایی داخل کشور نباشند. ازاین‌رو، سازمان‌های مناطق آزاد از منظر رشد و رونق تجارت و صنعت برای دستیابی به توسعه و رفح محرومیت منطقه‌ای سعی کردند با اجرای قانون و اساسنامه‌های خود، منافع ملی را تأمین و موجب شکوفایی تجارت، صنعت و خدمات شوند. در ایران رفع محرومیت‌های منطقه‌ای نیز از جمله نگاه‌های مهم برای تأسیس مناطق آزاد بودند که از سال ۱۳۷۲ تاکنون مورد نظر قرار گرفته است. چگونگی اداره این مناطق در ۷ شهریور ۱۳۷۲ به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۷۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. هرچند دولت پنجم، قبل از آنکه قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی به تصویب برسد، براساس مصوبه شورای اقتصاد در سه نقطه تعیین‌شده کیش، قشم و چابهار از مدتی قبل کارها را شروع کرده و فعالیت‌هایی را هم انجام داده بود. این قانون به‌واقع، از جمله اولین قانون‌هایی بود که از زمان در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و امید داشت تا ایجاد مناطق آزاد تجربه و الگوی مناسبی برای کشور باشد و نتایج خوبی را به لحاظ اقتصادی و صنعتی به بار آورد.

قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی نیز در ۱۱ خردادماه ۱۳۸۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در و تاریخ ۵ آذر ۱۳۸۴ با اصلاحاتی در تبصره ماده (۱) و الحاق تبصره‌ای به الحاق تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۳) و الحاق ماده ماده (۲۴) به تصویب مجمع تشخیص صلاحت نظام رسید. همچنین نام مناطق ویژه حراست‌شده به مناطق ویژه اقتصادی براساس بند «د» تبصره ۲۵ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۷۴ از سوی شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی تعیین و به تصویب رسید. این روند ادامه یافت تا اینکه در حال حاضر در ایران ۱۸ منطقه آزاد تجاری-صنعتی و ۷۹ منطقه ویژه اقتصادی وجود دارند که ۴۸ منطقه آزاد ویژه فعال هستند و باقی‌مانده مناطق نیز به‌تدریج راه‌اندازی خواهند شد. درسال ۱۳۹۲، به‌لحاظ اهمیت حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی بند ۱۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مبنی بر انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا مطمح نظر دست‌اندرکاران مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور قرار گرفت.

این مناطق براساس کارکردهای ذیل ماده ۱۱۹ قانون برنامه پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باید بتوانند هم‌پیوندی عملکرد خود را با اقتصاد ملی و بین‌المللی دنبال کنند. در این صورت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی می‌توانند با جذب بیشتر نقش‌آفرینی مردم، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی به‌منزله فرصتی متمایز و پیشرو یا کارویژه‌های متناسب با نیازها و شرایط پیچیده اقتصاد کشور نقش‌های جدیدتری ایفا کنند.